

کارگران جهان متحد شوید!

دبیر کمیته کردستان محمد آسگران
Tel: 0049 1633458007
E-mail: asangaran@aol.com

مسئول ارتباطات شهرهای کردستان عبدال کلپریان
Tel: 00358 405758250
E-mail: abdolgolparian@yahoo.com

ایسکرا ۴۱۰

اساس سوسیالیسم
انسان است.
سوسیالیسم
جنبش بازگرداندن
اختیار به انسان است.



منصور حکمت

www.m-hekmat.com

www.iskraa.net

نشریه کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران

چهارشنبه ها منتشر میشود

۲۸ فروردین ۱۳۸۷، ۱۶ آوریل ۲۰۰۸

سر دبیر: عبدال کلپریان
abdolgolparian@yahoo.com

به استقبال اول ماه مه در وضعیتی متفاوت می رویم مصاحبه ایسکرا با ناصر اصغری



ناصر اصغری

رابطه با اول ماه مه يك سال تمام در وحشیانه ترین شرایطی در زندان نگه داشت. چپ در سطحی وسیع تر در جامعه ابراز وجود کرد. ده ها تن از فعالین چپ را در دانشگاه ها دستگیر و زندانی کردند که هنوز هم

صفحه ۲

جامعه افزود و زندگی مردم را باز هم به قهقرا برد. این البته فاکتور مثبتی نیست. در عین حال يك سال بر خشم و تنفر مردم و طبقه کارگر از این حکومت افزوده شد! همه اینها بر این واقعیت تأکید گذاشتند که تنها راه حل خلاصی از این جهنم، سرنگونی جمهوری وحشی اسلامی و نظام طبقاتی سرمایه داری است. در حالی به پیشواز اول ماه مه

می رویم که رژیم به کارگران و جامعه در سطحی وسیعتر حمله کرد. به کارگران معترض و شرکت کننده در مراسم اول ماه مه سال گذشته در برابر چشمان ناباور جامعه تازیان زد. محمود صالحی را در

ایسکرا: ناصر اصغری تقریباً ۲ هفته به اول ماه روز جهانی کارگر مانده؛ به نظر شما چه می شود در باره اول ماه مه امسال گفت که سال گذشته نمی شد گفت؟ چه فاکتورهای مثبتی را می شود نسبت به سال گذشته در برگزاری يك اول ماه قدرتمند برشمرد؟

ناصر اصغری: جمهوری اسلامی يك سال دیگر بر جامعه حکومت کرد. يك سال مردم این جامعه را فقیرتر و بیکارتتر کرد. يك سال دیگر بر تباهی زندگی مردم این جامعه و بخصوص طبقه کارگر و فقیرتر

باز هم درگیری مسلحانه و فیزیکی در سازمان زحمتکشان شکست پروژه سازمان زحمتکشان

اند.

بنا به منابع خبری در سایتهای کرد زبان در جریان این درگیریهای فیزیکی یکی از اعضای رهبری این سازمان به اسم عبدالله کهنه پوشی و یکی از هوادارانش به اسم حمید زخمی شده اند و آسایش سلیمانیه ۱۲ نفر از هواداران عبدالله کهنه پوشی را دستگیر کرده است. همسر عبدالله کهنه پوشی اعلام کرده است که عبدالله مهتدی در پلنوم این سازمان به عبدالله کهنه پوشی حمله کرده و دستور داده است که او را خلا سلاح کنند.

صفحه ۲



محمد آسگران

بر اساس اخبار رسیده در جریان پلنوم دوم سازمان زحمتکشان در کردستان عراق و درگیری بین دو جناح این سازمان دو نفر زخمی و دوازده نفر از طرف نیروهای امنیتی سلیمانیه دستگیر شده

صفحه ۴

اخباری از اعتصاب و مبارزات کارگری

صفحه ۴

بهر روز کریمی زاده و مجید پورماجد آزاد شدند
احمد قصابان، مجید توکلی، احسان منصوری و عابد توانچه به زندان محکوم شدند

صفحه ۵

جریمه نقدی محی الدین رجبی یکی از دستگیر شدگان اول ماه مه سنجند

صفحه ۶

برای نجات علی مهین ترابی به يك اقدام بین المللی دست بزنیم!
اعدام کودکان و جوانان جنایت علیه بشریت است و باید فوراً در ایران ممنوع شود!

صفحه ۶

به حکم اعدام هیوا بوتیمار اعتراض کنید!

جمهوری اسلامی باید از سازمان جهانی کار اخراج شود! به تمامی اتحادیه های کارگری در سراسر جهان

کمیته همبستگی بین المللی کارگری (WPI)



بهرام سروش



شهلا دانشفر

صفحه ۵

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

به استقبال اول ماه مه در وضعیتی متفاوت می رویم مصاحبه ایسکرا . . .

باز هم درگیری مسلحانه و فیزیکی در سازمان زحمتگشان . . .

از صفحه ۱

منصور حکمت و حزب کمونیست کارگری با نشان دادن افق و آینده این جریان قومپرست، باعث شد که تعداد هرچه بیشتری از مردم و اپوزیسیون جمهوری اسلامی متوجه عمق فلاترژیم این جریان بشوند.

همان موقع ما با موضوعی شفاف و مسئولانه اعلام کردیم که اینها جریان سیاسی نیستند. اعلام کردیم جریان مهندسی-ایلیخانیزاده دارو دسته ای دست ساز و قومپرست هستند که باید از جانب احزاب سیاسی ترد و منزوی شوند. ما گفتیم که این دارو دسته فلاترژ وجودشان برای جامعه مخرب است. همان موقع اعلام کردیم که اینها تعدادی لمین و چاقوکش هستند که با پول و امکانات جلال طالبانی میخوانند مسیر انقلابی و مبارزاتی مردم کردستان را تغییر و به زیر چتر سیاستهای نظم نوینی آمریکا بکشاند.

لازم به توضیح است که اعلام این سیاست از جانب ما و افشای این جریان قومپرست اگر چه جامعه کردستان را تا حدود زیادی در مقابل این دارو دسته واکنیسه کرد، اما کم نبودند احزابی که با این جریان همکاری کردند. کم نبودند جریاناتی که با اینها اطلاعیه مشترک صادر کردند. کسانی در میان حتی احزاب چپ، برخورد ما به اینها را چپروانه و تندروانه قلم داد میگردند. اکنون بعد از ۷ سال که از عمر این جریان میگذرد مخصوصاً با اخبار درگیریها و چاقو کشیهای یک سال اخیر که از جانب جناحهای درونی خود این سازمان منتشر شده است، باید برای هر ناباوری ثابت کرده باشد که سیاستهای ما عمیقاً مسئولانه و با روشن بینی بیان شده بود.

کسانی که ایرادشان به ما این بود که چرا آنها را دارو دسته ای چاقوکش و قومپرست و مخرب به حال جامعه خطاب میکنیم، اکنون میبینند که ۷

صفحه ۳

در این خبرها آمده است که صدای تیراندازی در اردوگاه این سازمان واقع در اطراف سلیمانیه شنیده شده است و خانه و کاشانه هواداران جناح کهنه پوشی بوسیله جناح مهندسی محاصره و مهندسی تعدادی از مخالفین خود را خلع سلاح و اخراج کرده است.

این درگیریها به دنبال انشعاب و درگیری ۷ ماه قبل در این سازمان ایجاد شده است که آن هنگام هم تعداد دیگری زخمی اخراج و کتک کاری شدند و در نهایت ایلیخانیزاده و رضا کعبی همراه با تعداد دیگری از این سازمان انشعاب کردند. از ۷ ماه قبل تا کنون این دومین بار است که در این سازمان جناحهای مخالف با هم مسلحانه درگیر میشوند، به روی هم چاقو میکشند و اخبارش از جانب دو طرف منتشر میشود.

این سازمان در سال ۲۰۰۱ از سازمان کردستان حزب کمونیست ایران - کومه له جدا شدند. قبل از جدا شدن افتضاح جعبه سیاه (دیسکت سیاه) که حاوی رابطه مخفیانه و غیر قانونی آقای عبدالله مهندسی با طالبانی و دریافت پولی هنگفت برای تغییر سیاست و استراتژی آن سازمان بود افشا و رو شده بود.

جریان مهندسی-ایلیخانیزاده هنگام جدایی از کومه له با سیاستی زورگویانه و زیر چتر حمایت اتحادیه میهنی و جلال طالبانی اگر چه اقلیتی در کومه له بودند اما میخواستند با زور اسلحه و حمایت حاکمان کردستان عراق کومه له را تحت فشار قرار دهند که فعالیتش در کردستان عراق را محدود و یا تعطیل کند. هنگامیکه متوجه شدند به این هدف نمیبرسند خواستند اموال و امکانات آن سازمان را صاحب شوند.

آن هنگام سیاست دخالتگرانه، روشن و مسئولانه

جامعه را به حمایت از خود فرابخواند. به این پی بردند که با تلویزیون کانال جدید مرتب در ارتباط باشند و اخبار اعتراض و مبارزات خود را به گوش جامعه برسانند. و یا کارگران کارخانه کیان تایر که در اعتراض به عدم پرداخت دستمزدهایشان اعتراض می کنند، دو روز بعد با کوکتل مولوتوف با نیروهای رژیم به مقابله بر می خیزند. یا کارگران در اعتراض به بییکارسازی اتحادیه سراسری کارگران بییکار و اخراجی درست می کنند و همه کارگران بییکار شده را به پیوستن به آن فرامی خوانند. کلا فضای اعتراض جامعه را وارد یک فاز دیگری می کند. این بحث در واقع جواب آن دسته از کسانی هم هست که می خواهند پاسیفیزمشان را هم با اینکه کارگران هنوز آگاهی کافی ندارند که وارد عرصه مبارزه با رژیم بشوند، توجیه کنند. کارگر در عرصه عمل مستقیم آگاهی طبقاتی کسب می کند.

موضوع دیگری که به این بحث برمی گردد این است که حکومت اسلامی یک حکومت متعارف بورژوازی نیست که بتواند با اعتراضات این چنینی برخورد متعارف بکند. کارگری را که ۶ ماه و ۱ سال حقوقش را نپرداخته اند و به این اعتراض می کند، خودش را در قدم اول برای مقابله با پاسداران و نهادهای جاسوسی و سرکوب رژیم در محیط کار آماده می کند؛ یک رژیم متعارف سرمایه وارد می کرد و برایش امنیت دست و پا می کرد تا حقوق و دستمزد کارگران را می پرداخت و دستی هم روی این وضعیت می کشید. کسانی که وضعیت جنبش کارگری در روسیه بعد از فروپاشی بلوک اروپای شرقی را دنبال کرده باشند، می دانند که چگونه جنبش کارگری در آن کشور هم در چنین موقعیتی بود و با ورود سرمایه از کشورهای غربی و سازماندهی اقتصاد در این کشور، سرمایه داری آن بحران را پشت سر گذاشت و اعتراضات کارگری فروکش کرد، بدون اینکه حکومت و نظام روسیه به مخاطره بیافتند.

صفحه ۴

درجای از سازماندهی امکان پذیر نیستند. شاهد اعتراضات رادیکالتر هستیم. و در کل به نظر من طبقه کارگر در موقعیتی مناسب و حق به جانب تر نسبت به سالهای گذشته قرار دارد.

ایسکرا: کلا با توجه به وضعیتی که برشمردید، موقعیت جنبش کارگری را چگونه می بینید؟ بگذارید اینطور بگویم؛ درست است که داریم در باره اول ماه مه حرف می زنیم، اما یک ناظر بیرونی وضعیت طبقه کارگر را که نگاه می کند کشمکش بر سر پرداخت دستمزدهای بتعویق افتاده را می بیند؛ بر سر بییکارسازی می بیند؛ بر سر خط فقر می بیند. می بیند که کارگران در پائین ترین سطحی از سازماندهی قرار دارند. در یک چنین وضعیتی چگونه می شود از جالش بر سر برگزاری اول ماه مه مستقل حرف زد؛ چگونه می شود از تعرض سخن بمیان آورد وقتی که کارگران در یک حالت تدافعی هستند؟

ناصر اصغری: این بحث مفصلی است. امیدوارم در فرصتی مناسب بتوانم به آن بپردازم. اما بگذارید اینجا سرخط نظرم را بگویم. می گویند اعتصاب مدرسه انقلاب است. یعنی اینکه کارگری که بر سر اضافه دستمزد، بیمه بیکاری، حق مهد کودک، کاهش ساعات کار و ایمنی محیط کار اعتصاب می کند، در بجهوه این اعتصاب به قدرتش پی می برد و در قدم بعدی خواست برابری زن و مرد، برکناری فلان وزیر و بهمان امام جمعه و لغو حجاب اجباری و غیره را مطرح می کند. از طرح این مطالبات تا طرح مطالبه حکومت کارگری راه درازی نیست. کارگران نیشکر هفت تپه به بتعویق افتادن دستمزدهایشان اعتراض کردند و بر خواست پرداخت فوری آن پافشاری کردند و مدتی بعد خواهان بریائی مجامع عمومی منظم و هفتگی خود شدند. خواهان به رسمیت شناخته شدن تشکل خود شدند. خواهان برکناری مدیر عامل شدند. و در عمل پی بردند که باید مرتب با جامعه در تماس باشند و

تعدادی زیر شکنجه هستند. دهها تن از فعالین کارگری و فعالین جنبشهای دیگر اعتراضی دستگیر و با قرار وثیقه های هنگفتی به گروگان گرفتند. جامعه در اعتراض می جوشد و در حال طغیان است.

از طرف دیگر رژیم از هر زمان دیگری در عرصه بین المللی منزوی تر شده است. اکنون بحث بر سر این است که رژیم و نمایندگانش را در اجلاس سالانه سازمان جهانی کار راه بدهند یا نه؟! در طول یک سال گذشته چندین بار سازمان های بین المللی کارگری فراخوان اعتراض بر علیه این رژیم و محکومیت سرکوب فعالین کارگری از جمله محمود صالحی و منصور اسانلو را دادند. هیچ دولتی در اروپا دیگر میانه خوبی با این رژیم ندارد. وضعیتش در عراق هم که محور مانورش با غرب است، چندان بر وفق مرادش نیست.

وضع داخلی رژیم هم خیلی آشفته تر از سال پیش است. از نزدیکترین دوستان و یاران رژیم هم می گویند که این دولت سر کار وحشی و امام زمانی است. یعنی در هوای آن دنیا ست. جناح احمدی نژاد در بجهوه کش و قوس های هستهای به رفسنجانی و خاتمی، دو رئیس جمهور اسلامی قبل از خود گفت "برانداز" یکی از یاران نزدیک رفسنجانی را به جرم جاسوسی زندان کردند و بعد مجبور شدند در تناسب قوای بین خودشان، او را آزاد کنند.

یک نکته مهم دیگر هم این است که خانه کارگر رژیم و شوراهای اسلامی کار جزء جناح رفسنجانی هستند و مورد کم لطفی جناح در حکومت رژیم قرار گرفته اند؛ گرچه رژیم سعی کرده بخشی از این نهادهای جاسوسی و سرکوب کارگران را با خود همراه کند، اما این بخش در بین خودشان هم حاشیه ای بودند.

بنابه فاکتورهای بالا، به نظر من جنبش کارگری در موقعیتی بهتر از سال گذشته برای حمله است. رهبران کارگری شناخته شده زیادی جلو آمده و جامعه را مورد خطاب قرار می دهند. شاهد اعتراضات بیشتری در جامعه هستیم که بدون

به استقبال اول ماه مه در وضعیتی متفاوت می رویم مصاحبه ایسکرا . . .

از صفحه ۲

همچنانکه گفتم، باید سر فرصت به این موضوع پرداخت.

ایسکرا: بعنوان سوال آخر، آیا امکان برگزاری يك اول ماه مه متفاوت تر و باشکوه وجود دارد؟

ناصر اصغری: همه شواهد حکایت از این دارد که جامعه در التهاب اعتراضات رادیکال است. شما هر روز با وجود سد عظیم و زخم سانسور و فیلترینگ و پارازیت بر روی رادیو و تلویزیون مخالفین و اپوزیسیون و غیره، شاهد دهها اعتراض کارگری از کرمانشاه و کامیاران و سنندج گرفته تا هفت تپه و گاتوند و ایران صدرا در بوشهر و قزوین و تهران و خاتون آباد کرمان و عسلویه و تبریز و ارومیه و ترکمن صحرا و زابل و غیره هستیم. کارگران حتما در مجامع عمومی خود که به این اعتراضات منتهی می گردند، در باره اول ماه مه حرف می زنند و تبادل نظر می کنند.

رژیم جمهوری اسلامی در برابر کارگران عقب نشست و ۱۱ اردیبهشت را روز کارگر اعلام کرد و تقریباً رسماً برای کارگران تعطیل اعلام شده است. کارگران روزهای دیگری چون روز محمد و علی و فاطمه و خمینی را دهن کجی به خود و یا در بهترین حالت، بی ربط به خود می دانند. اما روز کارگر روز کارگران و روز اسلام کیفرخواست بر علیه کارفرما و رژیم کارفرماهاست که حتماً باید در تدارک شرکت و برگزاری هر چه با شکوه تر آن باشند.

کارگران هر روزه بر علیه این رژیم اعتراض و مبارزه می کنند. اما اول ماه مه يك فرصت خوبی است که این اعتراضات یکپارچه و در سطحی وسیعتر اعلام و ابراز گردند. فرصتی است که کارگران بگویند یا سوسیالیسم یا بربریت. فرصتی است که کارگران ایران در پیشاپیش يك مبارزه رادیکال و رزمنده بر علیه جمهوری اسلامی، که در رأس یکی از دو قطب تروریستی قرار دارد، بگویند که کارگران جهان متحد شوید!

* * *

باز هم درگیری مسلحانه و فیزیکی در سازمان زحمتکشان . . .

از صفحه ۲

مدرسی و همگی با معماری صلاح مهدتی و امکانات جلال طالبانی قرار است دارو دسته هایی باشند که هر آن لازم بود در راستای سیاستهای آمریکا و در مقابل جنبش انقلابی مردم کردستان بکار گرفته شوند. اگر چه اینها با همدیگر اختلاف پیدا کرده اند و به روی همدیگر چاقو کشیده اند و جریانی نیستند که در جامعه بتوانند جایگاهی پیدا کنند، اما صلاح مهدتی و جلال طالبانی همه آنها را به عنوان دارو دسته هایی مزدور نگه میدارند که هر آن بخواهند آنها را علیه سازمانهای انقلابی و مردم کردستان بکار گیرند.

این دارو دسته فالانژ را بیش از پیش باید افشا و منزوی کرد. اینها در چهار چوب جریانات سیاسی و احزاب منبعث از جنبشهای اجتماعی قرار نمیگیرند. اینها جریاناتی شبیه سپاه زرگاری و دارو دسته های مزدور و مسلح هستند. تا هنگامیکه به آنها پول و اسلحه و امکانات بدهند میتوانند برای احزاب سیاسی و مردم مزاحمت ایجاد کنند.

اما با توجه به وجود جو رادیکال جامعه و نقش برجسته جنبشهای اجتماعی چپ و آزادیخواهی در کردستان این جریان و جریانات مشابه تقریباً به پایان عمر خود رسیده و نمیتوانند توهمی در میان هیچ قشری از جامعه ایجاد کنند. پروسه تحولات جامعه و رادیکالیزه شدن

* * *

ایسکرا برنامه ای از یدی محمودی

شما می توانید از طریق تلویزیون کانال جدید روزهای سه شنبه، پنجشنبه و یک

شنبه از ساعت ۳:۰۰ تا ۴:۰۰ ساعت ۵ بعدازظهر به وقت تهران

برنامه های ایسکرا را نگاه کنید.

این برنامه ها روز بعد از ساعت ۱۲:۳۰ تا ۱ بعدازظهر تکرار خواهد شد.

برنامه های ایسکرا را به دوستان و آشنایانتان معرفی کنید و

برای ایسکرا گزارش و خبر بفرستید.



مشخصات فنی: ماهواره هات برد ۸

فرکانس ۱۲۳۰۳ مگاهرتز

سیمبل ریت ۲۷۵۰۰

اف ای سی ۳/۴

پلاریزسیون عمودی - Vertical

اخباری از اعتصاب و مبارزات کارگری

کارگران نیشکر هفته تپه به اعتصاب خود پایان دادند

اعتصاب هزاران کارگر نیشکر هفته تپه که از روز سه شنبه ۲۰ فروردین شروع شده بود روز جمعه ۲۳ فروردین وارد چهارمین روز خود شد. اعتصاب در اعتراض به تعویق دستمزد اسفند ماه و پاداش کارگران است. روز پنجشنبه ۲۲ فروردین پاداش نیمی از کارگران را پرداخت کردند تا با این کار هم صفوف کارگران را بشکنند و هم اعتراض را عقب بزنند. اما کارگران اعلام کردند که تا گرفتن حقوق اسفندماه و پرداخت پاداش باقی کارگرانی که طلب خود را دریافت نکرده اند، به اعتصاب خود ادامه خواهند داد. بدین ترتیب روز جمعه نیز اعتصاب کارگران نیشکر هفته تپه ادامه یافت.

نگرانی از بسته شدن کارخانه و بیکاری، یک موضوع دیگر اعتراض کارگران است. گفته میشود که یعقوب شفیعی مدیر کل، افضل زاده معاون مدیر کل، زبیداری رئیس حراست و از نیروهای وزارت اطلاعات در این کارخانه، حاتمی مدیر بخش کشاورزی و مهندس غلامرضا مرادی از طریق اشخاص ثالثی بهترین زمینهای زراعی این شرکت را خریداری و یا اجاره کرده اند و حتی برای آبیاری این زمین ها عملاً از کارگران شرکت استفاده میکنند

کارگران نیشکر پس از شش روز اعتصاب از ۲۰ تا ۲۵ فروردین ماه، روز دوشنبه به اعتصاب خود پایان دادند. طبق گزارشی که به حزب رسیده است، بدنبال تجمع ۳۰۰۰ نفر از کارگران در مقابل دفتر مدیریت در روز یکشنبه ۲۵ فروردین، به کارگران قول داده شد که حقوق فروردین هفته آینده پرداخت شود. پاداش کلیه کارگران نیز پرداخت شده است. کارگران ترجیح دادند اعتصاب را خاتمه دهند و چنانچه هفته آینده حقوق آنها پرداخت نشد، اعتصاب را مجدداً از سر بگیرند. یک دلیل دیگر پایان دادن به اعتصاب این بود که در صورت ادامه اعتصاب نیشکرهای بریده شده خشک و غیر

قابل استفاده میشد و کارگران ترجیح دادند کار را از سر بگیرند.

کارگران اعتصاب شش روزه خود را موفقیت آمیز میدانند اما در عین حال شدیداً نگران تعطیل کارخانه و از دست دادن شغل های خود هستند. کارگران اقداماتی را به منظور مقابله با تعطیل کارخانه در دستور گذاشته اند. اتحاد، رزمندگی و پافشاری هزاران کارگر نیشکر هفت تپه و توهم نداشتن به مقامات و مسئولین، از نقاط برجسته این اعتصاب شش روزه بود. کارگران هفت تپه با اتکا به این نقاط قوت میتوانند نیروی بیشتری برای مقابله با تعطیل کارخانه و سایر خواستههای خود به میدان آورند. این شرط پیروزی آنها در مقابل بیکارسازی ها است.

حزب کمونیست کارگری قاطعانه از مبارزه کارگران هفت تپه پشتیبانی میکند و آنها را فرامیخواند برای به میدان آوردن صدها هزار کارگر دیگر در اطراف آنها که خواستههای مشابهی دارند، پیشقدم شوند.

حزب کمونیست کارگری ایران

۱۴ آوریل ۲۰۰۸

۲۶ فروردین ۱۳۶۷

کارگران شرکت کیان تاپر در ۵ روز اعتصاب

قبلاً در اطلاعیه به اطلاع رساندیم که ۲۰۰۰ کارگر شرکت کیان تاپر (لاستیک البرز سابق) در تهران بار دیگر از روز ۲۰ فروردین اعتصاب خود را شروع کرده و خواهان پرداخت فوری دستمزدهای معوقه خود شده اند. بنا به خبر دیگری که امروز ۲۴ فروردین به حزب رسیده است، کارگران همچنان در اعتصاب هستند و امروز شنبه از ساعت ۶ صبح در محل کارخانه دست به تجمع زده و بار دیگر در محوطه کارخانه دست به روشن کردن آتش زدند. رژیم اسلامی با گسیل نیروهای انتظامی، جاده بین پل ساوه تا محل رباط کریم را از هر دو طرف مسدود کرد و کارخانه را به محاصره نیروهای سرکوب درآورد و

به کارگران هشدار داد که آتش را خاموش کنند و کارخانه را ترک کنند. علیرغم وعده و وعیدهای استاندار تهران، که گفته میشود صبح امروز به میان کارگران رفته است، و علیرغم هشدار نیروهای سرکوبگر، کارگران به تجمع خود ادامه دادند و بر فوریت رسیدگی به مطالبات خود پافشاری کردند. کارگران اعلام کردند که این وعده وعیدها دروغ است و تا زمانیکه کارفرما به جمع آنها نیاید و تکلیفشان را روشن نکند به تجمع و اعتراض خود ادامه خواهند داد. بنا به این گزارش، معاون سیاسی استاندار تهران قول پرداخت دستمزدهای کارگران را تا ۴۸ ساعت داده است، اما کارگران ترک کارخانه را مشروط به واریز نمودن بدیهای خود اعلام کرده اند و گفته اند که شب را در کارخانه خواهند ماند.

بنابه خبر دیگری که سایت "اتحاد" سایت "اتحادیه سراسری کارگران اخراجی و بیکار" منتشر کرده است، در ساعت ۷ و بیست و پنج دقیقه عصر امروز یگان ویژه وارد کارخانه کیان تاپر شده و برای پایان دادن به اعتراض کارگران، دست به سرکوب آنان زد.

حزب کمونیست کارگری سرکوب کارگران کیان تاپر را شدیداً محکوم میکند و از خواستههای آنها قاطعانه حمایت میکند. سرکوب کارگران جنایت دیگری توسط حکومت اسلامی است و باید با بیشترین همبستگی با کارگران کیان تاپر مواجه شود. پرداخت حقوق های معوقه و امنیت شغلی خواست بحق کارگران کیان تاپر و میلیونها کارگر دیگر است.

کارگران و مردم آزادیخواه، خانواده های کارگران کیان تاپر: کارگران کیان تاپر تاکنون قاطعانه برای تحقق خواستههای خود

ایستادگی کرده و سنگر مستحکمی ایجاد کرده اند و شایسته حمایت و همبستگی هرچه بیشتر شما هستند. به هر طریق که میتوانید از آنها حمایت کنید. خانواده های کارگران باید وارد میدان شوند و از کارگران اعتصابی حمایت کنند. میتوانند در مقابل ادارات دولتی دست به تجمع اعتراضی بزنند و از مردم تهران خواهان حمایت شوند. با بسیج نیروی خود میتوانیم دشمنان خود را به عقب بنشانیم و حقوق مشروع خود را از حلقوم آنها بیرون آوریم.

آزادی، برابری، حکومت کارگری

مرگ بر جمهوری اسلامی

زنده با جمهوری سوسیالیستی

حزب کمونیست کارگری ایران

۱۲ آوریل ۲۰۰۸

۲۴ فروردین ۱۳۸۷

کارگران کیان تاپر آزاد شدند از سر نوشت ۶ کارگر آتش نشانی خبری در دست نیست

قبلاً به اطلاع رساندیم که غروب روز شنبه ۲۴ فروردین، نیروهای یگان ویژه جمهوری اسلامی کارگران کیان تاپر (لاستیک البرز سابق) را که بخاطر دستمزدهای پرداخت نشده خود در اعتصاب بسر میبردند مورد حمله وحشیانه خود قرار دادند و ۵۰ نفر از کارگران را دستگیر کردند. طبق دو گزارش که امروز به حزب رسیده است، آمار اولیه مربوط به تعداد دستگیرشدگان نادقیق بوده و تعداد دستگیرشدگان بسیار بیشتر از این بوده است. یکی از گزارشات تعداد کارگران دستگیرشده را بالای ۳۰۰ نفر و گزارش دیگر حدود ۱۰۰۰ نفر ذکر میکنند.

همچنین خانواده های کارگران در مقابل دادگاه چهاردانگه و سپس مقابل پاسگاه احمدآباد تجمع کرده و خواهان آزادی فوری کارگران زندانی شدند. در طول دو روز گذشته اکثر کارگران آزاد شده و ۱۴۰ نفر تا

امروز در زندان بودند که بعداً زظهر امروز همگی آزاد شده اند.

طبق این گزارشات شش نفر از کارگران آتش نشانی که به آنها دستور داده شده بود آب داغ روی کارگران اعتصابی بپاشند از دستور فرماندهان نیروی سرکوب خودداری کردند و آب را روی اسفالت ریختند. سرکوبگران آنها را نیز دستگیر کردند که تا این ساعت، غروب دوشنبه، خبری از آنها در دست نیست.

لازم به یادآوری است که کارگران کیان تاپر در اعتراض به عدم پرداخت ۵ ماه حقوق معوقه و پاداش و مزایای دیگر خود از ۲۰ فروردین دست به اعتصاب زده بودند. بدنبال این اعتصاب، به آنها وعده داده شده است که شنبه آینده بخشی از طلب های آنها پرداخت خواهد شد.

حزب کمونیست کارگری از همه کارگران در سراسر کشور، از معلمان و دانشجویان و همه مردم آزادیخواه میخواهد سرکوب کارگران کیان تاپر را شدیداً محکوم کنند و خواهان آزادی فوری شش کارگر آتش نشانی شوند. جنایت رژیم در حق کارگران نباید بی پاسخ بماند. حزب از سازمانهای کارگری در سراسر جهان میخواهد سرکوب جنایتکارانه کارگران کیان تاپر را محکوم کنند، جمهوری اسلامی را برای آزادی فوری کارگران آتش نشانی و خواست های بحق کارگران کیان تاپر تحت فشار بگذارند و خواهان اخراج جمهوری اسلامی از همه مجامع بین المللی و از سازمان جهانی کار شوند.

آزادی، برابری، حکومت کارگری
مرگ بر جمهوری اسلامی
زنده با جمهوری سوسیالیستی

حزب کمونیست کارگری ایران
۱۴ آوریل ۲۰۰۸، ۲۶ فروردین ۱۳۸۷

یک دنیای بهتر
برنامه حزب را بخوانید
و در سطح وسیع توزیع کنید

جلسات گفتگو با حمید تقوایی
در چت روم اینسپیک و پلتناک،
هر جمعه ساعت ۷ شب اروپای مرکزی

جمهوری اسلامی باید از سازمان جهانی کار اخراج شود!

به تمامی اتحادیه های کارگری در سراسر جهان

هیچکس پوشیده نیست. جمهوری اسلامی همچنان فعالین کارگری را دستگیر و زندانی میکند، حق اعتصاب و تشکل و قرارداد دسته جمعی و هیچ حق دیگری را برسمیت نشناخته و حتی شلاق زدن به کارگران را نیز به روشهای سرکوب کارگران افزوده است. کارگران ایران حق دارند سازمان جهانی کار را بدلیل برسمیت شناسی هیئت جمهوری اسلامی محکوم کنند و آنرا مانعی بر سر راه مبارزه خود بدانند و خواهان انزوای هرچه بیشتر آن شوند.

کارگری به شرکت هیات جمهوری اسلامی در اجلاس سالانه سازمان جهانی کار شدیداً معترض است و خواهان اخراج جمهوری اسلامی از سازمان جهانی کار و تمامی مراجع بین المللی است. متأسفانه اینطور استدلال شده است که حضور جمهوری اسلامی و خانه کارگر آن در اجلاس های سالانه آی ال او، راه را بر دیالوگ و اعمال فشار بر جمهوری اسلامی برای برسمیت شناختن و رعایت حداقل حقوق کارگران فراهم میکند. اما نادرستی این روش امروز بر

نود و هفتمین کنفرانس سازمان جهانی کار آی ال او که بزودی در فاصله ۲۸ مه تا ۱۳ ژوئن برگزار میشود، هر ساله میزبان هیات اعزامی جمهوری اسلامی در اجلاس سالانه خود میباشد و علاوه بر جمهوری اسلامی، خانه کارگر و شوراهای اسلامی نیز که رسماً ارگانهای دست ساز حکومت علیه کارگران هستند، به عنوان "تشکل های کارگری از ایران" در اجلاس سالانه آی ال او به رسمیت شناخته میشوند. کمیته همبستگی بین المللی

ایران بر این اعتقاد است که یک گام اساسی در حمایت از مبارزات کارگران و مردم ایران بر طرد و انزوای جمهوری اسلامی در سطح بین المللی و اخراج آن و همینطور ارکان دولتی خانه کارگر از سازمان جهانی کار است. کمیته همبستگی بین المللی کارگری از سازمانهای کارگری در سراسر جهان انتظار دارد که از نفوذ خود برای بیرون کردن هیئت جمهوری اسلامی از آی ال او استفاده کنند.

شهادت دانشجو
هماهنگ کننده کمیته همبستگی
بین المللی کارگری (WPI)
بهرام سروش
مسئول روابط عمومی

۱۸ مارس ۲۰۰۸

انداخت.

بار دیگر آزادی بهروز کریمی زاده، مجید پورماجد و مهرداد لهراسی را تبریک می گوئیم و امیدواریم آزادی این عزیزان سرآغاز تلاشی متحدتر، گسترده تر و پرشورتر برای عقب راندن دادگاه و زندان و وثیقه و کمیته انضباطی رژیم اسلامی باشد. بویژه اکنون که در آستانه روز جهانی کارگر قرار داریم از همه دانشجویان دعوت میکنیم تا با شرکت هرچه وسیعتر در برپایی اول مه، بطور سراسری و در همه دانشگاه های کشور برای تحقق خواسته های فوق و برای آزادی، برابری، هویت انسانی به میدان بیایند.

مرگ بر جمهوری اسلامی
زنده باد آزادی، برابری،
حکومت کارگری

سازمان جوانان کمونیست
۲۷ فروردین ۸۶، ۱۵ آپریل ۲۰۰۸

تنها در طول سال گذشته صدها اتحادیه کارگری در سراسر جهان خواهان آزادی دو نفر از رهبران کارگری، منصور اسانلو و محمود صالحی، و نیز برسمیت شناختن حقوق پایه ای کارگران در ایران شده اند اما جمهوری اسلامی به همه اینها دهن کجی کرده است. بعلاوه طبق تمام گزارشات نهادهای بین المللی، جنایات این حکومت علیه بخش های مختلف مردم در طول سال های گذشته مدام شدت گرفته و پذیرش این حکومت در نهادهایی مانند آی ال او را بیش از پیش غیر قابل دفاع کرده است.

کمیته همبستگی بین المللی کارگری ضمن قدردانی صمیمانه از اقدامات تا کنونی سازمانهای کارگری در حمایت از کارگران

باید علیه همه این دستگاه سرکوب و ارباب و کنترل به اعتراض برخاست. باید فضای اعتراضی فعال و توده ای را در دانشگاه دامن زد و جمهوری اسلامی را به عقب راند. باید متحد و یکصدا مبارزه را تا آزادی فوری و بی قید و شرط همه دانشجویان زندانی ادامه داد. باید یکصدا احکامی که دادگاه های رژیم اسلامی علیه دانشجویان صادر کرده است را محکوم کرد و خواهان لغو فوری این احکام شد. باید خواهان لغو تمام وثیقه ها شد. باید خواهان لغو احضار ها و احکام کمیته های انضباطی و انحلال خود این کمیته ها شد. این مطالبات را باید در هر فرصت و اجتماعی مطرح کرد و باید شعار آزادی زندانیان سیاسی، آزادی دانشجویی در بند را در همه جا طنین

بهروز کریمی زاده و مجید پورماجد آزاد شدند احمد قصابان، مجید توکلی، احسان منصوری و عابد توانچه به زندان محکوم شدند

توانچه دیگر فعال دانشجویی نیز در دادگاهی نمایشی به ۸ ماه زندان تعزیری محکوم شده است. اینگونه دادگاه ها همچون شمشیری بر بالای سر دانشجویانی قرار دارد که جمهوری اسلامی تحت فشار اعتراضات و تلاش گسترده در سطح بین المللی مجبور شده آزاد کند. جمهوری اسلامی وثیقه های سنگینی برای این دانشجویان مقرر کرد و وثیقه تهدیدی است تا هرگاه لازم شد دانشجویان را به زندان و دادگاه بکشانند. در این حالی است که کمیته های انضباطی که ادامه در دانشگاه است ۳۰ نفر از دانشجویان شیراز و تعدادی از دانشجویان علوم پزشکی اردبیل را احضار کرده اند.

گوید و خود را در این شادی شریک میدانند. به امید آنکه با مبارزه ای متحد و گسترده همه دانشجویان زندانیان سیاسی را آزاد کنیم و بساط زندان و دادگاه و شکنجه و کل رژیم اسلامی را برچینیم. در حال حاضر فرهاد حاجی میرزائی، پیمان پیران، احمد قصابان، مجید توکلی و احسان منصوری از جمله دانشجویانی هستند که همچنان در زندان های مخوف جمهوری اسلامی تحت شرایط غیر انسانی به سر می برند. احمد قصابان، مجید توکلی و احسان منصوری که بنا به حکم اولیه دادگاه تبرئه شده بودند با وجود تودیع وثیقه از زندان آزاد نشده و به ترتیب به ۲ سال و ۲ ماه، ۲ سال و نیم و ۱ سال و ۱۰ ماه زندان تعزیری غیر قابل تجدید نظر محکوم شدند. عابد

روز ۲۷ فروردین بهروز کریمی زاده از فعالین سرشناس "دانشجویان آزادیخواه و برابری طلب" که چند روز بعد از برگزاری مراسم روز دانشجو دستگیر شده بود با تودیع وثیقه سنگین ۳۰۰ میلیون تومانی از زندان آزاد شد. مجید پورماجد یکی دیگر از فعالین دانشجویی که روز ۱۰ فروردین توسط نیروهای امنیتی ربوده شده بود نیز در روز ۲۵ فروردین ماه بعد از تحمل شکنجه های طولانی از زندان آزاد شد. مهرداد لهراسی که از ۱۸ تیر ۷۸ تا کنون زندانی بود نیز دوشنبه ۲۶ فروردین بعد از ۹ سال حبس آزاد شد. سازمان جوانان کمونیست آزادی بهروز و مجید و مهرداد را به آنان و خانواده هایشان و همه دانشجویان و همه کسانی که برای آزادی شان تلاش کردند تبریک می

جریمه نقدی محی الدین رجبی یکی از دستگیر شدگان اول ماه مه سنندج

دادگاهی شد.

لازم به ذکر است که بعد از چندین بار حکم جلب برای دستگیری آقای محی الدین رجبی ودر گیر شدن ماموران امنیتی با خانواده

طبق گزارش رسیده روز دوشنبه ۲۷ فروردین ماه ۱۳۸۷ محی الدین رجبی یکی از دستگیر شدگان اول ماه مه سنندج که به ۲۰۰ هزار تومان جریمه نقدی و ۱۰ ضربه شلاق محکوم شده بود، دوباره

است.

لازم به ذکر است که، لغو این احکام بنا به اعتراضات وسیع جهانی و فشار افکار عمومی صورت گرفته است.

کمیته دفاع از محمود صالحی
سه شنبه ۲۸ فروردین ۱۳۸۷
kdms50@yahoo.com

www.kdmahmodsalehi.blogfa.com

دادگاه برای مدت بازداشت وی، ۱۳۵ هزار تومان را کسر کرده و وی را به مبلغ ۶۵ هزار تومان جریمه

برای نجات علی مهین ترابی، به یک اقدام بین المللی دست بزنیم! اعدام کودکان و جوانان جنایت علیه بشریت است و باید فوراً در ایران ممنوع شود!

آگاهانه است و باید مردود اعلام شود.

ما علیه حکم اعدام مومیا ابوجمال هستیم و از همگان دعوت میکنیم که در میتینگ های اعتراضی به این مناسبت شرکت کنند. اعتراض به حکم اعدام مومیا ابوجمال امروز يك جنبش اعتراضی گسترده است که بخشی از مبارزه و ابراز نفرت عموم مردم علیه اعدام است.

در ایران که روزانه تعدادی به اعدام محکوم میشوند و هر هفته و یا هر ماه تعدادی اعدام میشوند، جنبش اعتراضی گسترده و وسیعی علیه اعدام وجود دارد. ما توانسته ایم تا کنون با اتکا به جنبش اعتراضی بین المللی جان تعداد زیادی را نجات دهیم. ما خود را بخشی از جنبش جهانی علیه اعدام دانسته و در کنار شما هستیم. برای مبارزه علیه اعدام در امریکا و در همه جای دنیا و برای نجات جان مومیا ابوجمال، تنها با اتکا به جنبش اعتراضی مردم در ابعاد بین المللی میتوان دولتها را وادار کرد که به این جنایت سازمان یافته دولتی به اعدام نقطه پایان گذاشته شود.

کمیته بین المللی علیه اعدام

۱۳/۰۴/۲۰۰۸

www.adpi.net

تلفن تماس: ۰۰۴۶۷۰۴۹۱۷۴۹۴

امیدشان مردم و فعالیتهای فعالین علیه اعدام است.
به جنبش اعتراضی علیه اعدام پیوندید!

کمیته بین المللی علیه اعدام

۱۵/۰۴/۲۰۰۸

www.adpi.net

تلفن تماس:

۰۰۴۶۷۰۴۹۱۷۴۹۴

علیه حکم اعدام مومیا ابوجمال، علیه احکام اعدام در همه جا به میدان بیایید!

دوستان گرامی!
در مبارزه خود علیه احکام اعدام و علیه حکم اعدام مومیا ابوجمال ما را در کنار خود بدانید!

کمیته بین المللی علیه اعدام که بطور ویژه برای نجات محکومین به اعدام در ایران کار میکند، مخالف اعدام در همه جا و بر علیه هراسانی است. اعدام قتل عمد سازمان یافته توسط دولتها است و باید در همه جا ممنوع شود.

مستقل از اینکه محکومین به اعدام چه جرمی را مرتکب شده باشند، اعدام يك جرم بزرگ و قتل

روز یکشنبه این هفته در تهران مراسم شنیع دار زدن کمال ۱۸ ساله، فراهم میشود. کمال که چند روزی است ۱۸ ساله شده با ترس و وحشت به محل اجرای حکم آورده میشود. قبل از اجرای اعدام، کمال یکبار به سوی مادر شاهین رفته و از او میخواهد نگذارد او را بکشند. مادر شاهین سر کمال را بوسیده و همانجا اعلام میکند که کمال مثل پسر من شاهین است و اگر همین جا قول بدهد که در آینده دیگر به کسی آسیب و آزار نرساند، من نمیخواهم او اعدام شود.

کمال به زندگی برمیگردد و بدینگونه مادر داغدار در مقابل چشم جلادان اعلام میکند که مخالف قتل جوان ۱۸ ساله است و نمیخواهد کمال هم مثل پسر او به قتل برسد.

کمیته بین المللی علیه اعدام این اقدام شجاعانه و این اظهار نظر عملی در مقابل اعدام را ارج نهاده و به مادر شاهین درود میفرستد. ما باید بهر طریق ممکن مقابل این دستگاه جنایت اسلامی ایستاده و مانع از قتل و اعدام بیشتر شویم. کودکان و نوجوانان بسیاری در زندانهای جمهوری اسلامی به اعدام محکوم شده اند و چشم

سال دارم و میخواهم زنده بمانم و زندگی کنم. در يك هفته گذشته مینا احدی در چندین گفتگو با رسانه های آلمانی و همچنین در جریان سخنرانی در دانشگاه لایپزیگ در مورد علی مهین ترابی و پیام او از زندان حرف زد و از همگان دعوت کرد به حکم اعدام این جوان اعتراض کنند. کمیته بین المللی علیه اعدام با پارلمان اروپا، پارلمان و افرادی از دولت سوئد و آلمان در مورد علی حرف زده است. ما به این فعالیتهای برای نجات علی ادامه خواهیم داد.

به یاری علی مهین ترابی بر خیزیم. کمک کنید علی را از اعدام نجات دهیم!

کمیته بین المللی علیه اعدام

۱۵/۰۴/۲۰۰۸

www.adpi.net

تلفن تماس:

۰۰۴۶۷۰۴۹۱۷۴۹۴

جمهوری اسلامی ایران در رده دوم اعدامها در جهان

مردم به اشکال مختلف علیه این جنایات مبارزه میکنند.

در حالیکه سازمان عفو بین الملل از شدت گرفتن احکام و اجرای اعدامها در ایران سخن گفته و اعلام کرد که بطور متوسط جمهوری اسلامی ایران در هفته ۲۴ نفر را اعدام میکنند و احکام اعدام بیشماری را اعلام میکنند، در ایران روز یکشنبه ۱۳ آوریل يك واقعه در صحنه اجرای مراسم اعدام، همگان را تکان داد.

یکسال قبل در تهران پسر جوان ۱۷ ساله ای به اسم شاهین در جریان يك زد و خورد بین نوجوانان به دست کمال به قتل میرسد. جمهوری اسلامی ایران فوراً کمال را دستگیر و مقدمات قتل او را فراهم میکند. کمال توسط جنایتکاران حرفه ای حاکم بر ایران به اعدام محکوم شده و

علی مهین ترابی زندانی نوجوانی که بدنبال درگیری کودکانه در مدرسه اش، به هدف میانجیگری وارد درگیری میشود، و انبوه جمعیت متأسفانه باعث اصابت چاقویی که در جریان درگیری به دست او داده شده است، به فردی میشود که به قتل میرسد. علی پس از گذشت پنج سال و نیم از وقوع این حادثه کماکان در زندان رجایی شهر است.

بنا به گزارش منابع آگاه با وجود گذشت این مدت، شاکي خصوصی وی حاضر به گذشت نشده است. و مادر مقتول که رضایت خود را اعلام کرده، پدر مقتول با پرداخت ديه به مادر همچنان خواهان اجرای حکم قصاص است.

وی که دانش آموز موفق سال دوم هنرستان رشته کامپیوتر بوده است، طی بازجویی ها صریحا اعلام داشته است هیچ خصومتی بین او و فرد مقتول نبوده است. علی هم اکنون در شرایط سخت روحی و روانی بسر میبرد. این در حالی است که مطلع شدیم که علی به مقامات قضایی جمهوری اسلامی اعلام نموده اند از تحمل کیفر و ادامه در این شرایط سخت خسته شده است.

پزشکی قانونی نوع جراحات وارده را با احتمال هول دادن و بر اثر پارگی رگ تشخیص داده است. وکیل متهم از اینکه این پرونده هنوز سیر تکمیلی خود را طی میکند، ابراز امیدواری کرد و بیان داشت امیدوار است که علی از اعدام نجات یابد.

برای نجات جان علی مهین ترابی باید متحذانه به میدان آمد. کمیته بین المللی علیه اعدام از همگان دعوت میکند برای نجات جان علی و همه زندانیان محکوم به اعدام بیش از پیش به میدان بیایند. ما باید صدای دردمند علی از گوشه زندان را به گوش جهانیان برسانیم.

علی میگوید من از این وضع خسته شده ام، من روزی چند بار میمیرم و زنده میشوم. من هنوز ۱۸

به حکم اعدام هیوا بوتیمار اعتراض کنید!

وسیع مردم میتوان بعقب راند. عمل شنیع و ضد انسانی اعدام يك حربه اصلی این حکومت برای سرکوب است و برای لغو آن باید بمیدان آمد.

کمیته کردستان حزب حکم اعدام هیوا بوتیمار را شدیداً محکوم میکند و مردم آزادیخواه را فرامیخواند که به این حکم اعتراض کنند و برای لغو فوری آن حکومت اسلامی را تحت فشار بگذارند.

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران
۲۷ فروردین ۱۳۸۷
۱۵ آوریل ۲۰۰۸

حکم اعدام صادر کرده است. صالح نیکبخت گفته است که در مهلت قانونی ۲۰ روزه، بار دیگر به حکم صادره اعتراض خواهد کرد.

اعدام و شکنجه و زندان از حیات ننگین جنایتکاران اسلامی قابل تفکیک نیست، و جناحها و باندهای مختلف آن برای بقتل رساندن مردم حتی توجهی به لغو احکام دیروز خود نمیکنند. اعدام قتل عمد دولتی و يك جنایت سازمان یافته توسط حاکمان است که باید متوقف شود، اما حکومت اسلامی را فقط با قدرت اعتراض

جمهوری اسلامی مجدداً برای هیوا بوتیمار حکم اعدام صادر کرده است. صالح نیکبخت وکیل مدافع هیوا بوتیمار در اینباره میگوید که حکم موکل او قبلاً بدلیل عدم وجود شواهد کافی لغو شده بود اما اکنون دادگاه رژیم در شهر مریوان دوباره این حکم را صادر کرده است. نیکبخت همچنین اشاره میکند که "متأسفانه قاضی شعبه يك دادگاه انقلاب مریوان، از میان کدهای جرائم فقط کد مربوط به محاربه را میشناسد و در این پرونده هم علیرغم نظر مراجع نظامی دوباره

مرگ بر جمهوری اسلامی، زنده باد جمهوری سوسیالیستی!